

هویت فرهنگی و فاصله‌گیری نسلی در جامعه شهری اصفهان^۱

رضا اسماعیلی

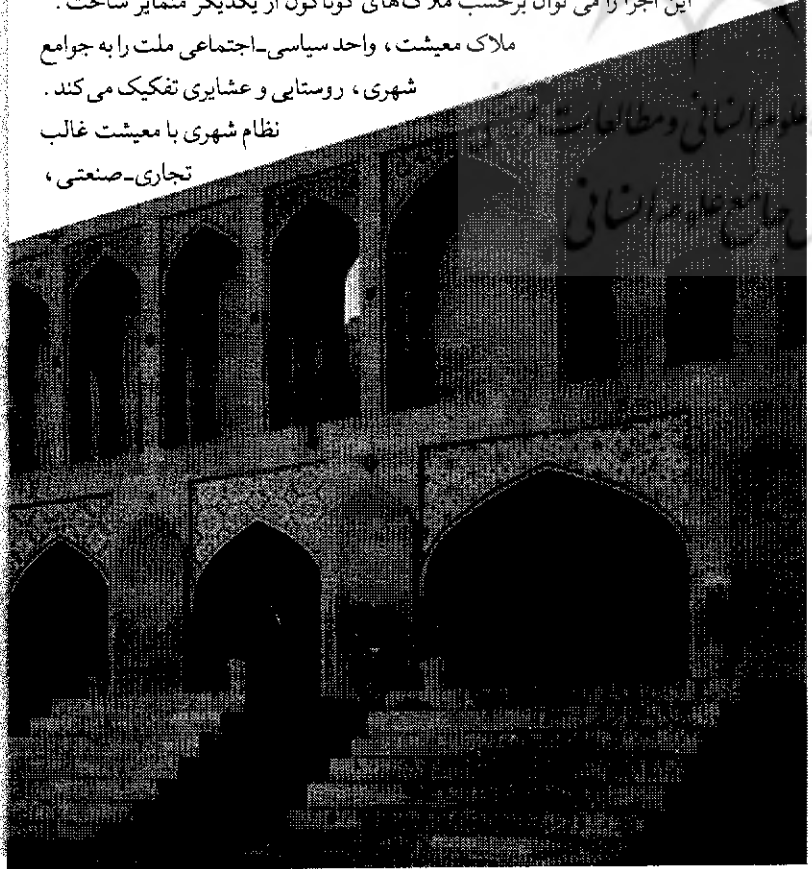
عضو هیأت علمی مرکز آموزش عالی ضمن خدمت فرهنگیان اصفهان
دانشگاه سوره - واحد اصفهان

هویت و ملاحظاتی در بررسی تحلیلی آن

جامعه به عنوان «مای مشترک جمعی»^۲، از اقشار و طبقات گوناگون تشکیل شده است؛ گروه‌های متفاوت اجتماعی که در دوره‌ای از زمان به مشابهت احساس و تفکر دست یافته‌اند و یا در واحدهای متعددی سازمان گرفته‌اند. کلان‌ترین واحد جامعه سیاسی، ملت است که در قلمرو سرزمین مشترک، نظام سیاسی واحد و برخوردار از پیوند تاریخی مشترک به حیات خود ادامه می‌دهد. واحد سیاسی-اجتماعی ملت، خود دارای اجزا و عناصری است. این اجزا را می‌توان برحسب ملاک‌های گوناگون از یکدیگر متمایز ساخت.

ملاک معیشت، واحد سیاسی-اجتماعی ملت را به جوامع شهری، روستایی و عشایری تفکیک می‌کند. نظام شهری با معیشت غالب تجاری-صنعتی،

ملاحظاتی در بررسی تحلیلی آن
جامعه به عنوان «مای مشترک جمعی»^۲، از اقشار و طبقات گوناگون تشکیل شده است؛ گروه‌های متفاوت اجتماعی که در دوره‌ای از زمان به مشابهت احساس و تفکر دست یافته‌اند و یا در واحدهای متعددی سازمان گرفته‌اند. کلان‌ترین واحد جامعه سیاسی، ملت است که در قلمرو سرزمین مشترک، نظام سیاسی واحد و برخوردار از پیوند تاریخی مشترک به حیات خود ادامه می‌دهد. واحد سیاسی-اجتماعی ملت، خود دارای اجزا و عناصری است. این اجزا را می‌توان برحسب ملاک‌های گوناگون از یکدیگر متمایز ساخت. ملاک معیشت، واحد سیاسی-اجتماعی ملت را به جوامع شهری، روستایی و عشایری تفکیک می‌کند. نظام شهری با معیشت غالب تجاری-صنعتی،



جامعه روستایی با معیشت غالب کشاورزی و نظام عشایری با معیشت غالب دامپروری، درون واحد اجتماعی-سیاسی ملت وجود دارند. سه مجموعه مذکور در ارتباط ارگانیک با یکدیگر هستند و داد و ستدهای متعددی با یکدیگر دارند. تاریخ چهار قرن اخیر ایران بر اساس شواهد، حکایت از تغییر ساخت اجتماعی-اقتصادی از نظام عشایری به جامعه شهری دارد.

جامعه ایران به لحاظ ترکیب قومیتی نیز از عناصر گوناگونی ترکیب یافته است. ترکیب قومیت‌های فارس، ترک، لر، بلوچ، ترکمن، کرد، گیلانی، عرب و ... تنوع و تکثر خاصی به هویت اجتماعی ایران بخشیده است. جامعه ایران در عین تکثر قومیتی در قالب نظام فرهنگی اجتماعی ایران و اسلامی، انسجام یافته است.

به لحاظ فرهنگی و اعتقادی، ترکیب پیروان مذهب‌های گوناگون اسلامی، زرتشتی، مسیحی و یهودی در ایران، جامعه‌ای چند فرهنگی به لحاظ مذهب به وجود آورده است.

جامعه ایران به لحاظ ارتباط با نظام بین‌المللی و داشتن موقعیت استراتژیک، در فرایند تاریخی در معرض حوادث جهانی و تحولات بین‌المللی بوده است. تأثیرات این

تحولات در دوره‌های گوناگون تاریخی متفاوت هستند. در سده‌های اخیر، ارتباط حکومت و جامعه ایران با کشورهایی چون روسیه، فرانسه، انگلیس، آلمان و آمریکا، به نحوی ساخت اجتماعی-فرهنگی درونی جامعه ایران را دستخوش تغییر کرده است.

جامعه ایران به لحاظ ساخت درونی در پیوستار تاریخ، از ترکیب متنوعی به لحاظ مذهب، قومیت و فرهنگ برخوردار شده است. تنوع اقلیمی و جغرافیایی بر پیچیدگی‌های فرهنگی افزوده است. به لحاظ هویت‌شناسی در دوره‌های گوناگون تاریخی، ما شاهد هویت باستانی ایران و هویت اسلامی بوده‌ایم که هر کدام الگو و نظام هنجاری و ارزشی خود را به ارمغان آورده‌اند.

در ارتباط ایران با جهان تاریخ، جامعه روندهای متفاوتی آزموده است. کوچک شدن قلمرو سرزمینی و انفکاک اجتماعی-سیاسی جوامعی چون افغانستان و کشورهای آسیای میانه از قلمرو سرزمینی جامعه ایران، بخش مهم تجزیه تاریخی جامعه ایران به شمار می‌آید.

در سده‌های اخیر، به لحاظ ناکامی‌های ایران در رویارویی‌های نظامی و ملاحظه پیشرفت‌های علمی و فنی جهان صنعتی توسط مسؤولان حوزه

اجتماع و سیاست جامعه ایران، رهیافت توسعه فنی، اقتصادی با هدف تشکیل جامعه‌ای مانند جامعه صنعتی با شدت و ضعف‌های گوناگون برگزیده شده است.

فرایند نوسازی و مدرنیزاسیون در جامعه ایران که از دوره صفویه شروع شده، در پیوستار زمان با آهنگ‌های متفاوت هنوز در حال تداوم است. بسیاری از ساخت‌های فنی، اقتصادی، نظامی، آموزشی، فرهنگی، اداری و سیاسی جامعه فعلی ایران، اقتباسی از جوامع صنعتی سرمایه‌داری است.

عکس‌العمل تاریخی جامعه ایران در مواجهه با پیشرفت غرب صنعتی، از جمله عوامل تأثیرگذار بر هویت اجتماعی-فرهنگی ایران معاصر است. برخوردهای نظامی، انعقاد معاهده‌ها و توافق‌های اقتصادی و تجاری، صنعتی، نظامی و اداری و همچنین جنبش‌های اجتماعی که تحت تأثیر این روند (چه از نوع تقابل و ستیز یا هم‌رنگی و تأیید) در جامعه ایران اتفاق افتاده است، به نحوی هویت اجتماعی-فرهنگی را تحت تأثیر خویش قرار داده است. نهضت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی بزرگی چون مشروطیت و انقلاب اسلامی در قرن‌های معاصر، هر کدام به نحوی واکنش به فرایند نوسازی و مدرنیزاسیون ایران بوده است.

حاصل‌گفتار مقدماتی را باید در این عبارت خلاصه کنیم که جامعه ایران با پشتوانه کهن تاریخی، از منظر هویت مراحل گوناگونی را پیموده است. هویت تاریخی ایرانیان قبل از آریایی‌ها برای ما مشخص



نیست. اما هویت باستانی ایران پس از ورود آنان، پذیرش آئین اسلام و تقابل ایرانیان با اعراب در قالب جنبش‌های استقلال طلبانه، در عین وفادار بودن به اسلام، از جمله برآیند تاریخی هزارساله ایران پس از اسلام است. تقابل ایرانیان با عثمانی‌ها و دیگر همسایگان، آشنایی با تمدن غرب و پیشرفت‌های شتابان آن موجب شد که جامعه ایران به لحاظ هویت، تحت تأثیر غرب قرار گیرد.

همچنین از لحاظ داخلی و درونی، جامعه ایران از تنوع مذهبی، قومی، فرهنگی، اقلیمی و معیشتی برخوردار بوده است. این تنوع، هویت فرهنگی-اجتماعی خاصی برای جامعه ایران فراهم کرده است.

تاملاتی درباره هویت‌شناسی اجتماعی-فرهنگی جامعه

برای بررسی پدیده هویت امروز جامعه ایران، چاره‌ای جز ملاحظه جامع اجزای ساخت درونی جامعه به لحاظ تنوع مذهبی، قومی، فرهنگی، اقلیمی معیشتی، اقتصادی و قشری اجتماعی و نیز ارتباط واحد سیاسی-اجتماعی (ملت و دولت) با جوامع بیرونی به لحاظ فنی و فناورانه، علمی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیست.

نکته مهم در این میان، انتخاب روش و رویکرد بررسی موضوع است که به نظر می‌رسد، رویکرد تاریخی، رهیافت مناسب برای توضیح و تبیین پدیده هویت اجتماعی-فرهنگی است. وارد شدن به مبحث هویت اجتماعی-فرهنگی، بدون توجه به عوامل زمان، آن هم نگرستن در پیوستار زمانی چهارصد ساله اخیر به طور عام و تاریخ یک صد ساله اخیر به طور

خاص، مبحث ناقصی خواهد بود. روش تحلیلی و تجزیه عناصر هویتی و تعیین سهم هر یک از عوامل در مبحث هویت جامعه ایران، در مقاطع زمانی معینی می‌تواند ما را از کلی‌گویی‌ها رهایی بخشد. بدون نگرش جزءگرایانه و روش‌های علمی، مبحث هویت از کمال لازم برخوردار نخواهد بود.

نکته دیگر روش شناختی، اتخاذ رهیافت توصیفی-انتقادی است. در مرحله توصیف با فراهم کردن داده‌های لازم، نخست به توصیف چگونگی هویت جامعه در مقاطع زمانی خاص می‌پردازیم و سپس، با تفکر نظری در پی نقد و بررسی هویت اجتماعی-فرهنگی جامعه خود برمی‌آیم. رهیافت روش شناختی مهم در این زمینه، برخورداری از نگاه مجموعه‌نگر و سیستمی است تا در پناه آن، پدیده هویت و عناصر آن را در ارتباط با یکدیگر در نظر بگیریم و از نارسایی‌های روش جزءنگرانه اجتناب ورزیم.

نکته مهم در بررسی تحلیلی پدیده هویت، نگرش بین رشته‌ای مقوله هویت در جامعه ایران است. هویت به عنوان یکی از پیچیده‌ترین مقوله‌ها در زندگی انسانی، دارای ابعاد روان‌شناختی (شخصیتی)، روان‌شناسی اجتماعی (ارتباط فرد با دیگران)، جامعه‌شناسی، تاریخی و فرهنگی و سیاسی است. بدون توجه به تأمیت هویت، صدور حکم بر چیستی هویت و آینده آن در جامعه ناقص خواهد بود.

نکته دیگر در بررسی این موضوع توجه به عوامل زمان است. انتخاب برش‌های زمانی جهت بررسی، برای ما بسیار ضروری است. به همین منظور، این مقاله در صدد

است تا موضوع هویت فرهنگی، آن هم در قالب نگرش‌های اجتماعی-فرهنگی را در دهه هفتاد، بر اساس مطالعات تجربی انجام شده در ایران، مورد بررسی قرار دهد.

طرح مسأله تغییرات فرهنگی و فاصله‌گیری نسلی

با وجود پیشرفت‌های اخیر علمی و فناورانه جامعه در نیمه قرن بیستم، جوامع مبتنی بر نظام سرمایه‌داری و سوسیالیستی با بحران‌های متعددی مواجه شدند. کشورهای اروپایی در ظاهر به هویتی بالاتر از جامعه ملی دست یافته‌اند و به سوی هویت منطقه‌ای گام برمی‌دارند. کشورهای سوسیالیستی قبلی نیز، به سمت هویت ملی در حال گذارند.

امروز ما نیز در جامعه‌ای در حال گذار زندگی می‌کنیم. بنابراین، ساختار اقتصادی جامعه، از جمله نوع معیشت، منابع، هدف و واحد تولید، نوع روابط کاری، نوع مشاغل و توزیع ثروت، ساختار سیاسی، از قبیل: مراجع تصمیم‌گیری و توزیع قدرت، ساختار اجتماعی و واحدهای اجتماعی چون خانواده، سازمان‌های اجتماعی و قواعد و قوانین رسمی و غیر رسمی مربوط به آن‌ها و بالاخره، ساختار فرهنگی، نظیر مبانی عقیدتی و ارزشی. شکل و محتوا و آرمان‌های آموزش و پرورش و غیره در سطح کلان و باورها، هدف‌ها، نیازها، انگیزه‌ها و تعهدات افراد (در سطح خرد) در حال تحول است (عبداللهی، ۱۳۷۵، ص ۱۲۸).

آنچه در این میان به لحاظ علمی اهمیت دارد، ابعاد و زمینه‌های تحول و شدت آن است. دگرگونی‌های فرهنگی به دلیل تأثیرات آشکار و پنهان، در بین تحولات از

موقعیت ممتازی برخوردار است؛ به طوری که خود می‌تواند، شاخص سنجش موقعیت اجتماعی حال و پیش‌بینی روند جامعه در آینده قرار گیرد. دگرگونی فرهنگی تدریجی است، و در واقع، بازتاب دگرگونی در تجربه‌های سازنده‌ای است که به نسل‌های گوناگون شکل داده است. از این رو، ارزش‌ها و هنجارهای سنتی در میان نسل‌های گذشته کاملاً گسترده‌اند. در حالی که گرایش‌های جدید تا حد زیادی در میان نسل‌های جوان نفوذ دارند و با جانشین شدن نسل‌های جوان‌تر به جای نسل‌های بزرگ‌تر، جهان‌بینی متداول در این جوامع دگرگون می‌شوند. جهان‌بینی مردم تنها به آنچه بزرگ‌ترانشان به آن‌ها می‌آموزند، بستگی ندارد. بلکه جهان‌بینی آن‌ها از تجارب کلی زندگی خودشان شکل می‌گیرد و گاهی تجارب سازنده یک نسل جوان، عمیقاً از تجارب نسل‌های گذشته متفاوت است. این امر در جوامع پیشرفته صنعتی در

طول نیم قرن اخیر اتفاق افتاده است. افزایش چندین برابر درآمد سرانه مردم، ظهور دولت‌های رفاه عمومی و رشد بی‌سابقه علم و فناوری، به تغییرات تدریجی در ارزش‌های اصلی و رایج درباره سیاست، کار، مذهب، خانواده و رفتار جنسی منجر شده است. علاوه بر این، گروه‌های جوان‌تر در مقایسه با نسل‌های پیشین از سطح تحصیلات بالاتری برخوردارند و مهارت‌های سیاسی آنان در مرتبه‌عالی‌تری است (اینگلهارت، ۱۹۹۰، ص ۲۰۱). اینگلهارت با ملاحظه نتایج پیمایش‌هایی که از ۱۹۷۰ میلادی در کشورهای اروپایی شروع شده است، پس از تحصیل صدها هزار مصاحبه در بیش از ۲۱ کشور اروپایی و آمریکایی و آسیایی، استنتاج می‌کند که نظام ارزشی مردم کشورهای صنعتی از نظام ارزشی مادی به فرامادی تغییر پیدا کرده است. بر اساس نتایج مطالعات مذکور، الگوهای رفتار سیاسی، اقتصادی و

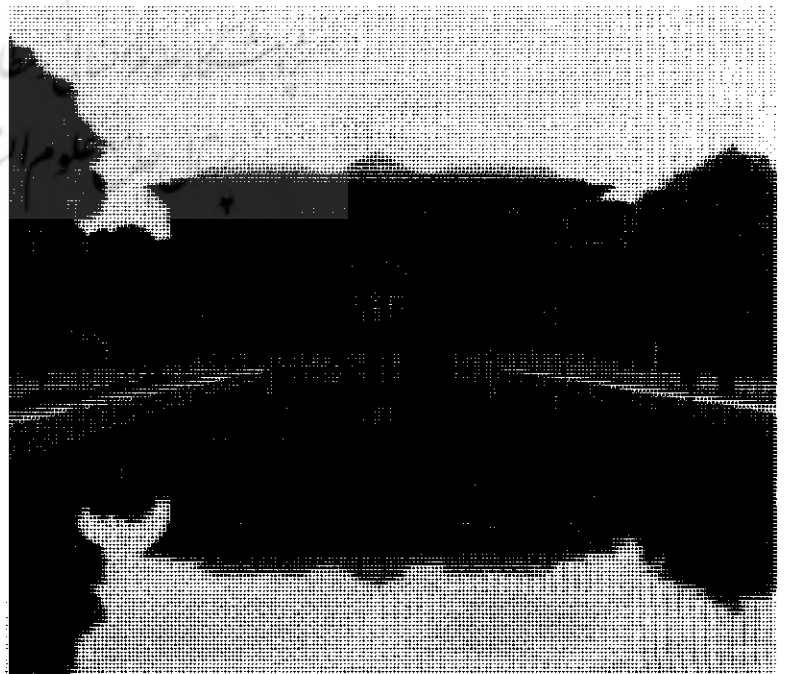
خانوادگی و اجتماعی نیز دگرگون شده‌اند. حال سؤال اصلی این است که جامعه ما در چه وضعیتی قرار دارد؟ دگرگونی فرهنگی در چه چیزهایی صورت گرفته و تغییرات آن به لحاظ نسل‌های گوناگون چگونه است؟ اگر جامعه در حالت فاصله‌گیری نسلی است، ابعاد فاصله چه قدر است؟ فاصله در چه مقولات و متغیرهایی است؟ پیامدهای منفی و مثبت آن کدامند؟

در جامعه ایران، به دلیل کمبود مطالعات میدانی و تجربی فراگیر، اظهار نظر درباره تحولات نظام ارزشی و دگرگونی فرهنگی، به تجربه‌های شخصی افراد محدود شده است. نتیجه‌گیری‌های فوری سیاسی و عدم ملاحظه پیچیدگی‌های اجتماعی و مفهومی در این باره، مانع از شناخت دقیق مناسبات اجتماعی و فرهنگی جامعه ما شده است (مسجد جامعی، ۱۳۷۸، ص ۳).

اشخاص از انقطاع نسلی صحبت می‌کنند و برخی دیگر بر موضوع شکاف نسل‌ها تأکید تأکید دارند. فارغ از انگیزه‌های گوناگون طراحان این ادعاها، وقت آن فرا رسیده است که به فرضیه‌های مذکور، پاسخ‌هایی بر اساس یافته‌های تجربی و میدانی حاصل از کاربرد دانش‌های اجتماعی ارائه دهیم و شناخت خود را درباره موضوع دقیق‌تر و عمیق‌تر کنیم.

روش‌شناسی

در این قسمت از نوشتار، پس از ارائه تعریف مفاهیم مورد بررسی در سؤال اصلی، به تعیین و معرفی جامعه آماری و روش‌های نمونه‌گیری و تکنیک‌های تحلیلی در گردآوری و تحلیل داده‌های مورد استفاده



به اختصار خواهیم پرداخت.

الف) تعریف مفاهیم ● نسل اجتماعی

گروه‌های متفاوت اجتماعی که در دوره تاریخی مشترک زیسته و به تجارب و آگاهی نسبتاً مشترکی درباره موضوع و زمینه مورد نظر دست یافته‌اند و بتوانند مرز اجتماعی-فرهنگی خود را با سایرین مشخص کنند، یک نسل اجتماعی را تشکیل می‌دهند. نکته مهم در مفهوم نسل اجتماعی، احساس داشتن موقعیت مشترک به دلیل برخورداری از تجربه مشترک در طول دوره زمانی مشخص و در

نتیجه، اکتساب نگرش‌های نسبتاً مشترک در ابعاد شناختی، احساسی و آمادگی برای انجام کنش عملی مشابه است.

● نگرش‌های اجتماعی-فرهنگی

نگرش به عنوان ساخت ذهنی پنهان در شخصیت فرد را میتوان آمادگی ویژه او از نظر روانی در رویارویی با پدیده‌ها و مسائل و وقایع، و نشان دهنده عکس العمل آمیخته با احساس نسبت به آن‌ها دانست. نگرش دارای وجوه سه گانه عاطفی یا احساسی، شناختی و عنصر رفتاری است. در این نوشتار، منظور از نگرش‌های

اجتماعی-فرهنگی، نگرش مردم در مقوله‌هایی چون ازدواج، خانواده، عقاید و ارزش‌ها، باورها، فرهنگ، جنسیت و رضایت اجتماعی است.

● ارزش‌های اجتماعی

ارزش‌های اجتماعی، مجموعه قضاوت‌های یک گروه اجتماعی هستند که جهان را به مقولات مطلوب یا نامطلوب تقسیم می‌کند. در این بررسی، ارزش‌های اجتماعی نظیر پول و مقام، اشتهار، علم و دانش، درستکاری و باورداشت‌های اجتماعی مورد ملاحظه قرار گرفته‌اند.

● رفتارهای اجتماعی-فرهنگی

این رفتارها شامل عملکرد قابل مشاهده و رفتارهایی است که از ترکیب آگاهی‌ها و نگرش‌ها با سایر عوامل و به نسبت‌های متفاوتی حاصل شده‌اند. رفتارها در مقایسه با نگرش‌ها کم و بیش ساده‌ترند. در دنیای واقعی، نگرش‌ها و رفتارها لزوماً هم‌جهت نیستند (محسنی، ۱۳۷۴). در این بررسی رفتارهای مردم شهر اصفهان در ابعاد اجتماعی، چون نحوه گذران اوقات فراغت و رفتارهای مذهبی سنجش شده‌اند.

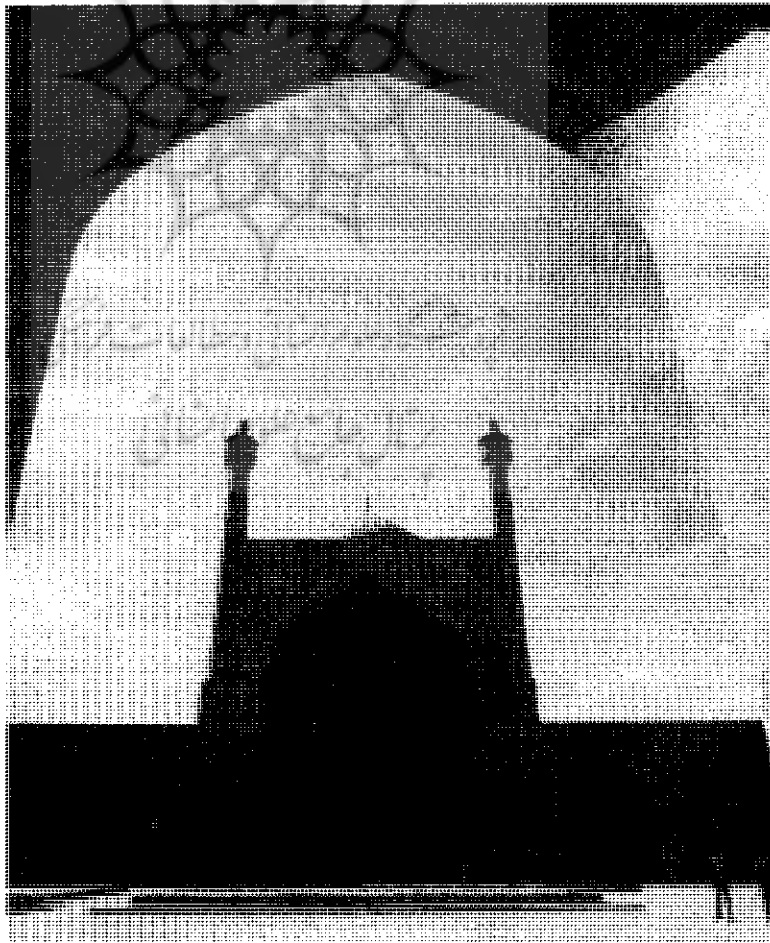
ب) جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری این بررسی مردم شهر اصفهان هستند. در این بررسی به لحاظ تبیین دگرگونی‌های اجتماعی، فرهنگی و در نظر گرفتن مبانی نظری و ملاحظات کاربردی، نسل‌های اجتماعی با ملاک سن به سه گروه تقلیل داده شده‌اند:

نسل جوان: ۲۹ سال و کم‌تر

نسل میانی: ۳۰ تا ۴۵ سال

نسل پیشین: ۴۶ سال و بالاتر



جامعه مورد مطالعه، همه افراد ۱۶ سال و بالاتر ساکن شهر اصفهان بوده‌اند. حجم نمونه مورد مطالعه ۴۶۱ نفر از شهروندان اصفهانی بوده است که متناسب با حجم جمعیت شهر اصفهان از ۴ منطقه انتخاب شده‌اند.

ج) ابزار جمع‌آوری اطلاعات
ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه ۱۴۷ سؤالی بوده است. اطلاعات مورد نیاز از طریق مصاحبه گردآوری شد.^۱

د) یافته‌های تحقیق
در ادامه، مهم‌ترین یافته‌های مطالعه در ۱۲ مقوله مورد بررسی، ارائه می‌شوند:

۱. نگرش درباره خانواده و ازدواج
از تعداد ۱۵ متغیر مطالعه درباره خانواده و ازدواج، در ۶ مورد نگرش‌های نسل‌های مختلف با یکدیگر تفاوت دارند. میانگین سن مناسب ازدواج در نسل زیر ۳۰ سال، ۲۱/۲ سال، در گروه سنی ۳۰ تا ۴۵ سال، ۲۰/۷ سال و در گروه سنی ۴۶ سال و بالاتر، ۲۰/۳ سال است. فاصله سنی مناسب بین زن و شوهر از نظر گروه‌های سنی فوق‌الذکر به ترتیب ۳/۶۳ سال، ۴/۲۶ سال و ۴/۴ سال اعلام شده است. ۷۸/۲ درصد از اعضای گروه سنی زیر ۲۹ سال، ۶۶/۷ درصد از اعضای گروه سنی ۳۰ تا ۴۵ سال و ۵۸/۵ درصد از اعضای گروه سنی بالاتر از ۴۶ سال، با معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج موافق بوده‌اند. ۷۵/۶ درصد گروه سنی جوان، ۶۷/۲ درصد گروه سنی میانسال و ۵۹/۲ درصد گروه سنی پیشین با ازدواج اقوام و خویشان‌شان مخالف بوده‌اند.

۲. میزان استفاده از رسانه‌ها
در خصوص میزان استفاده از روزنامه، مجله و کتاب، ویدئو و نوارهای صوتی، بین نسل‌های مختلف تفاوت معناداری وجود دارد.

۳. روابط مشترک اجتماعی
از ۶ متغیر مورد بررسی در این مقوله، در ۲ مقوله (شرکت در باشگاه ورزشی و انجمن‌های خانه و مدرسه) بین نسل‌های مختلف تفاوت وجود دارد. ۴۷/۶ درصد گروه سنی کم‌تر از ۳۰ سال، ۳۰/۱ درصد گروه سنی ۳۰-۴۵ سال، ۱۹/۳ درصد گروه سنی بالاتر از ۴۶ سال در باشگاه‌های ورزشی شرکت داشته‌اند.

۴. گذراندن اوقات فراغت
از ۱۵ متغیر مورد مطالعه در این مقوله در ۱۰ مورد (گوش دادن به رادیو، رفتن به سینما، مطالعه، ورزش، رفتن به مسجد، قدم زدن، رفتن به قهوه‌خانه و کافه، رفتن به پارک، انجام کارهای دستی، شرکت در انجمن‌ها و گروه‌ها) بین نسل‌های مختلف اختلاف وجود دارد. ۳۰ درصد گروه سنی کم‌تر از ۳۰ سال، ۱۸/۱ درصد گروه سنی ۳۰ تا ۴۵ سال، ۱۷ درصد گروه سنی ۴۶ سال و بالاتر هرگز به رادیو گوش نمی‌کنند. همچنین ۲۱/۶ درصد گروه سنی جوان، ۱۴/۷ درصد گروه سنی میانسال و ۷/۹ درصد گروه سنی پیشین، «گاهی» به سینما می‌روند. و ۸/۴ درصد نسل جوان، ۹/۶ درصد نسل میانسال و ۳۶ درصد نسل پیشین، هرگز مطالعه نمی‌کنند. ۱۹/۵ درصد نسل جوان، ۱۰/۴ درصد نسل میانسال و ۷/۱ درصد نسل پیشین هرگز به مسجد نمی‌روند.

۵. نگرش‌های جنسیتی

از ۴ متغیر مورد بررسی بر این مقوله (کار کردن خانم‌ها در بیرون از منزل، اهمیت دادن به مرد و زن در جامعه، ترجیح جنسیتی با احتمال به دنیا آمدن مجدد، لذت از زندگی و نوع جنسیت)، نگرش گروه‌های سنی درباره کار کردن خانم‌ها در بیرون از منزل متفاوت است. ۶۸/۷ درصد گروه سنی جوان و ۵۷/۱ درصد گروه سنی میانسال و ۵۲/۷ درصد نسل پیشین با این موضوع موافق هستند.

۶. رضایت اجتماعی

از ۸ متغیر مورد سنجش در این مقوله، میزان رضایت گروه‌های مختلف سنی در موضوع‌هایی چون رضایت از سلامت خود، تغذیه، شانس و اقبال در زندگی با یکدیگر تفاوت دارد.

۷. نگرش نسبت به شخصیت اساسی ایرانیان

از ۱۰ متغیر مورد مطالعه گروه‌های مختلف سنی، در ۷ مورد از مقوله مورد نظر بین گروه‌های سنی اختلاف نظر وجود دارد. گروه‌های سنی بالاتر از ۴۶ سال در مقایسه با دو گروه سنی دیگر، نگرش مثبت‌تری درباره ایرانیان دارند. ۵۷/۲ درصد گروه‌های سنی کم‌تر از ۳۰ سال و ۵۵/۸ درصد گروه‌های سنی ۳۰ تا ۴۵ سال و ۴۱/۸ درصد گروه سنی بالاتر از ۴۶ سال، تصور منفی نسبت به راستگو بودن ایرانیان دارند.

۸. عقاید و باورها

از ۱۵ متغیر مورد سنجش پیرامون عقاید و باورها، در سه زمینه به فکر خود بودن در دنیا، باز نکردن مشت خود پیش هر کس، مهم بودن شانس در زندگی، بین گروه‌های

مختلف سنی اختلاف وجود دارد. ۷۸/۲ درصد نسل جوان، ۷۸ درصد نسل میانسال و ۶۸/۲ درصد نسل پیشین بر این باور هستند که: «نباید مشت خود را پیش هر کس باز کرد.»

۹. ارزش های اجتماعی

درباره درجه اهمیت ۶ نوع ارزش های اجتماعی پرسیده شده در این مطالعه، بین گروه های مختلف سنی تفاوت زیادی وجود ندارد. درباره اهمیت مقام در زندگی بین نظام ارزشی گروه های مختلف تفاوت وجود دارد. این موضوع برای گروه های سنی بالاتر، از اهمیت کم تری برخوردار است.

۱۰. باورها و پندارها

باورداشت گروه های مختلف سنی در مقولاتی چون «مقدر بودن روزی هر کس به قدر قسمت او»، «مؤثر بودن قضا و قدر در زندگی» و «حال نگری و فکر نکردن به فردا» متفاوت است. در ۴ مورد دیگر تفاوت نگرشی بین گروه های سنی وجود ندارد.

۱۱. رفتارهای مذهبی

از ۶ مورد سنجش شده درباره رفتارهای مذهبی، در پنج مورد بین گروه های مختلف سنی تفاوت وجود دارد. شرکت در مجلس روضه و نماز جماعت، زیارت اماکن مذهبی، انجام نذر و نیاز، پرداخت فطریه از جمله رفتارهای متفاوت مذهبی نسل های مختلف هستند. رفتار پاسخگویان در زمینه «شرکت در دعای کمیل»، بر حسب ویژگی های سنی متفاوت نیست.

۱۲. آگاهی های اجتماعی

از ۸ مورد پرسیده شده درباره آگاهی های اجتماعی، فقط در مورد اطلاع از «توسی بودن فردوسی» بین گروه های مختلف تفاوت وجود دارد.

نتیجه گیری

بر اساس نتایج به دست آمده، از کل ۱۰۵ متغیر مورد مطالعه در زمینه نگرشها و رفتارهای اجتماعی مردم شهر اصفهان، در ۴۷ مورد بین نسل های مختلف سنی تفاوت وجود دارد. به عبارت دیگر، نسل های مختلف در ۴۴/۷ درصد از متغیرهای مورد بررسی با یکدیگر تفاوت نظر دارند. طبق نتایج مطالعه، مبحث انقطاع نسلی در زمینه نگرش های اجتماعی و فرهنگی در جامعه شهری اصفهان را نمی توان در حال حاضر مطرح ساخت.

یافته ها حاکی از آن است که در برخی از موارد و موضوعات، از جمله استفاده از رسانه های ارتباطی، ابزارهای گذران اوقات فراغت، تصور درباره شخصیت ایرانیان، عقاید و باورها، رفتارهای مذهبی جامعه شهری اصفهان، در حالت فاصله گیری نسلی شدیدتری قرار گرفته است.

در زمینه نگرش های مربوط به امور خانواده و ازدواج و روابط و مشارکت های اجتماعی، نگرش های مربوط به جنسیت، رضایت اجتماعی، ارزش های اجتماعی، باورها، پندارها و آگاهی های اجتماعی، جامعه شهری در حالت فاصله گیری نسلی بسیار آرام قرار دارد.

نکته مهم در این زمینه، ملاحظه دگرگونی فرهنگی در پیوستار تحولات نسلی است. در صورتی که نسل اجتماعی را به نسل قدیم و فعلی طبقه بندی کنیم، تغییرات فرهنگی ایجاد

شده در نسل جوان، شدیدتر از میزان واقعی است و حتی آسیب گونه ظاهر می شود. در صورتی که نسل اجتماعی را در سه برش مورد بررسی قرار دهیم، برخی از جنبه های تغییرات امری عادی و طبیعی به شمار می آید و در برخی از جنبه ها، جامعه شهری را می توان در آستانه واقع شدن در انقلاب آرام اجتماعی-فرهنگی با شکل گیری نسل جدید اجتماعی دانست که از زندگی و کیفیت آن، خواسته های جدیدی را طلب می کند. بررسی زمینه ها و علل و عوامل مؤثر در این پدیده و تعیین سهم هر یک از عوامل، مستلزم مطالعات علمی دیگری است.

زیر نویس ها:

در این جا وظیفه خود می دانم، از صاحب گران که دانشجویان رشته مینمای «دانشگاه سوره» و رشته مطالعات اجتماعی «مرکز آموزش عالی حضرت زینب (س)» بوده اند، تشکر کنم.

منابع:

- اسماعیلی، رضا (۱۳۷۹). بررسی نگرش ها و رفتارهای اجتماعی-فرهنگی مردم شهر اصفهان. دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی استان اصفهان.
- اینگهارت، رونالد، (۱۹۹۰). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. ترجمه مریم وتر. تهران. کویر.
- عبداللهی، محمد (۱۳۷۵). جامعه شناسی بحران هویت. نشریه نامه پژوهش. شماره های ۲ و ۳. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- محسنی، منوچهر. بررسی نگرش ها و رفتارهای اجتماعی-فرهنگی در ایران. دبیرخانه شورای فرهنگی عمومی کشور. تهران ۱۳۷۴.
- مسجدجامعی، احمد (۱۳۷۸). کدام دگرگونی در ارزش ها. مجله فرهنگ عمومی. شماره های ۱۸ و ۱۹.